

متن پرسش

بسم الله الرحمن الرحيم سلام عليكم: استاد من ۲۴ سال سن دارم، الان طلبه هستم، از دوران دانشجویی جلسات مطالعه صحیفه امام خمینی داشتیم، آثار عرفانی (کتاب شرح دعای سحر) اخلاقی (چهل حدیث، جنود و آداب الصلاة) و تفسیر سوره حمدشان را کم و بیش مطالعه کردم، شرح جنود شما را گوش کرده ام و آثار بسیار دیگر. و بحمدالله و بمنه و توفیقه منظومه متفکران انقلاب اسلامی معاصر که مبدأ اش همان تفکرات امام که مبدأش صدراست را در قلب خود در نزد خود دارم. روح انقلاب را شناخته ام قرآن در دلم با میزان و علامه جوادی طلوع کرده، احساس می کنم سینه ام ظرفیت این همه خیر و حکمت و روحانیت را ندارد. وقتی مشکلاتی را که در میان خودمان که قشر دین داریم می بینم، بی فکری مردم در جامعه را که خودم تا قبل از احساس طلوع در دلم یکی از آنها بودم می بینم، وقتی درستی حرکت امام و فاصله خودمان را با او می بینم، احساس سینه درد و کمر درد می کنم. وسعت دردهای علی امیر المؤمنین (ع) را می فهمم. دارم آب می شوم. گاهی برای غم امام زمان (عج) مستأصل و بی قرارم. حرفهای آقای پناهیان مرا تشنه شهادت کرده اما احساس عظمت لقا مرا در هم می شکند. استاد شاید بی صبری من این تلاطم را درونم به وجود آورده، اما می خواهم حرفهای رهبرم با این همه لختی و مانع روبرو نباشد و اجرایی شود چون درست می گویند. تا حد امکان امر به معروف با روی خوش می کنم، اما راضی نیستم، دوست دارم خدا مرا لایق کند برای انقلاب از هیچ چیز دریغ نکنم، از طرفی از تلون و رنگارنگی نفس خودم نیز خائفم. چه کنم؟ من عاشق انقلابم اما هیچ کاری برایش نمی کنم. خدا فهم زیادی به من داده اما سنگینی بار رسالت مانع حرکت من می شود. شما راه نمایی ام کنید و دعا بفرمایید به عزیز و محبوبم یعنی امام بزرگوار و راه او برسم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام عليكم: بنده دعاگو هستم. در ذیل دستورات اسلام باید این حالت را تحمل کرد و با تمام وجود خود را در تمکین نگه داشت تا آرام آرام تلون ها کم شود و خداوند راه هرچه بهتر بندگی خود را در تحقق تمدن اسلامی برایتان بگشاید. از رجوع کامل به اسفار و سپس به فصوص، در وقتش غافل نباشید. موفق باشید